



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۰۱

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت نهم)

در نتیجه پژوهش ها و تحقیقات بر پایه علوم جامعه شناسی، روانشناسی و مردم شناسی بر این باور میتوان رسید که رهایی زن از زیر سلطه نظام مرد سالار فقط از راه به نبوغ رسیدن فکری، تشکل و سازماندهی زنان در هر جامعه و در کلیت جهان میسر و ممکن میباشد و پس بدون رسیدن زنان به آگاهی، اعتماد به نفس، خود باوری و نبوغ فکری و ایجاد جنبش های سراسری زنان رهایی آن ها امریست نا ممکن زیرا حاکمیت مرد سالار در طول درازنای تاریخ موجودیت خویش، زن را بنا براینکه قشر نا منسجم و سازمان نیافته و بی باور به خود بوده مورد تهاجم غیر انسانی قرار داده است و تا توانسته این قشر را غیر منسجم، نا آگاه و ضعیف النفس نگهداشته و مورد بهره کشی قرار داده است. شرایط زیستی زنان را طوری ردیف بندی کرده است تا به هیچوجه به مزایای فوق الذکر دسترسی پیدا نکند چنان در کشاکش زنده گی پر مشقت وی را تقدس وار مشغول ساخته که هیچگاهی نتواند حتی فکر رهایی از نظلم جامعه مرد سالار را در ذهنش تداعی کند. مردان بعد از پیروزی و تسلط شان بر جامعه طبیعی زن سالار تا توان داشتند زن را پراکنده ساخته و از تشکلات آن به هر وسیله ای جلوگیری بعمل آورده اند. کشتار ها و زن سوزی های دسته جمعی صدها و هزار ها زن در میان کمون ها، کشتار های دسته جمع زنان در مراکز کلیسا ها به عنوان زنان بد کار و یا زنان متمدن، زنده بگور کردن و قتل عام زنان در جوامع بادیه نشین های اعراب، قتل عام و حمله پلیس به کارگران متعرض زن فابریکات نساجی در نیویارک و ده ها اعمال مشابه برای جلوگیری از سازمان یافتگی زن و ایجاد تشکلات زنانه در ادامه درازنای تاریخ صورت گرفته است میتوان بطور نمونه ها از تهاجمات ضد انسانی حاکمیت مرد سالار بر علیه حاکمیت زنان، تحت سیطره قرار دادن زنان در حاکمیت جدید، تحمیل روایات جدید برای تقسیم کار اجتماعی، تبدیل زن منحیت موجود جنس، قبیل، تیره و گونه

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

دیگر یاد آوری کرد که به همین ترتیب زن را فاقد اراده ساخته و آزادی هایش را سلب کرده و او را با شناسنامه جدید که موجود منفعل بوده و صلاحیت هیچ کاری سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و اداره را ندارد مبدل کرده است.

در شرایط موجود کشور ما در قبال زنان علاوه بر کمیت فرهنگ حاکمیت مرد سالار تراژیدی بزرگ و کشنده بنیاد گرایی اسلامی زیر نام فتوی و احکام اسلامی که بر اساس پژوهش های علمی دانشمندان اسلامی همه احکام ضد اسلامی بوده و بنام اسلام جازده میشود نیز بر آن افزود گردیده است که در سراسر کشور جنایات هولناک ضد بشری در سایه این فتوی های مذهبی بنیاد گرایان اسلامی زیر نام مجاهد، طالب، داعش و سایرین بر زنان این خطه جغرافیایی وحشیانه تعمیم میگردد و کمتر مرجع ملی و بین المللی پرده از این جنایات هولناک ضد بشری بر میدارد و اقدامات بازدارنده در زمینه اتخاذ میگردد.

در کشور ما برای برون رفت از این معضل بزرگ اجتماعی یعنی فرهنگ حاکمیت مرد سالار که اساساً کلید حل کلیه مسایل مربوط به آزادی زن هم میباشد، لازم است تا در گام نخست زنان از طریق باسواد شدن، آگاهی و خود آگاهی، رشد فکری، تقویت حس اعتماد به نفس خویش، باورمندی به قدرت همسانش با مرد به این باور برسد که او مانند مردان موجود همانند و حتی دارای ویژه گی ها و خصوصیات برتر انسانی از لحاظ فیزیولوژیکی داشته و در بسا امور انسانی بهتر از سایر هموعانش میتواند عمل کند. همچنان با ایجاد جنبش های سرتاسری زنان که در سطح کل کشور فراگیر باشد در تفاهم و همکاری نزدیک با جنبش های بین المللی زنان، تأسیس سازمانهای دیموکراتیک زنانه در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اداری و اقتصادی، تأمین روابط تنگاتنگ با سازمان ملل متحد و سازمان الحاقیه حقوق بشر آن فشار خویش را بالای دستگاه اداره دولت با در نظر داشت منافع ملی کشور برای اصلاح قوانین حاکم در کشور و تحقق قانون برای مشارکت متساوی زن با مردان در کلیه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداره کشور وارد کند و خویشتن را در وضعیت پویاتری مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداره دولت قرار دهد. در پهلوی آن باسواد شدن زنان و کثرت زنان دارای تحصیلات عالی در جامعه، ایجاد و حمایت انجمن های حمایت کننده زنان و ایجاد سازمان سراسری زنان افغانستان و سازمانهای غیر دولتی فعال برای اشتغال و مشارکت وسیع و حمایت زنان در سطح کشور، تبلیغ و توضیح شیوه های کردار و گفتار حضرت محمد (ص) با زنان و حقوقی که آنحضرت به زنان قایل بود از طریق منبر مساجد، ملا امامان، کتب درسی صنوف ابتدایی تا تحصیلات متوسط و عالی، اعطای امتیازات و شیوه های تشویقی به خانواده های که دختران شان به تحصیلات متوسط، مسلکی و عالی بپردازند، ایجاد سیستم مرکزی ثبت احصاییه خانواده برویت اسناد رسمی ازدواج و ترویج فرهنگ انتخاب همسر به زن و مرد که در موارد غیر آن متخلفین به جزای اعمال اش برسد و این پروسه از طریق رسانه ها همسانی شده و به آگاهی عموم مردم رسانیده شود، تدویر کورس های کوتاه مدت در محلات، شهر ها و دهات برای آگاهی رسانی مردم اعم از زن و مرد در باره انسان، وظایف انسانی، حقوق و آزادیهای انسان از منظر دین، قانون و روابط اجتماعی نا نوشته و تجارب کشور های پیشرفته اسلامی که در آن زنها از حقوق مساویانه با مردان برخوردار اند با شرکت وسیع از مردم و پیشبرد چنین کورس ها بوسیله افراد مؤثر و خاصاً زنان خدمتگار، با نفوذ و خوش نام محلات، یکی دیگر از راه هایی است که میتوان با این پدیده خانمان بر انداز مقابله کرد. همچنان کنترل ارگانه های مسئول و مراکز علمی اسلامی بر تفسیر های نادرست عده از (علمای) دینی در باره فتوی های تبعیض گرانه و مشوق خشونت علیه زنان در سراسر کشور، تشویق و توسعه نهاد های آموزشی برای زنان، ایجاد محلات کار برای زنان و ترغیب آنان به کار مفید اجتماعی - اقتصادی، راه اندازی مجالس و محافل عمومی برای آگاهی رسانی زنان از هویت اصلی آنها و به چالش کشیدن هویت تصنعی که در زیر بار فرهنگ و سنت مردان برایشان ترسیم کرده اند و از عده از زنان بصورت نمادین استفاده سوء کرده و با ارایه ارقام خاک به چشمان مردم و جامعه بین المللی زده خود را مدرن و طرفدار حقوق برابر زن و مرد نمایش میدهند در حالیکه وضعیت اسفناک زنان در سراسر کشور ما هیچ تغییری نکرده و ظلم و وحشت بالایش کما کان ادامه دارد. ارگانه های تأمین نظم عامه در گام نخست با کمبود وسیع افسران و سربازان زن مواجه اند تا حین تحقیق و بررسی موارد خشونت بتوانند به حقایق دسترسی بیابند و از جانب دیگر اعضای این ارگانها و ارگانه های عدلی و قضایی در باب مسایل حقوق اتباع، حقوق بشر، حقوق شهروند و وظایف این ارگانها در برابر متخلفین از کمترین آگاهی برخوردار اند و مشمولین این ارگانها زیر تأثیر فرهنگ مرد سالار و عنعنات مروج ضد زن در جامعه ما کمترین علاقمندی برای مجازات خشونت گران دارند. این امر باعث میگردد تا موارد خشونت علیه زنان بیشترین گزارش نمیگردد و فیصده ناچیزی که گزارش میگردد بنا بر دلایل بالا به آن ترتیب اثر داده نمیشود و بررسی نمیگردد. اساساً زنان نیروی پویای جامعه ما هستند، آنها در آغاز زنده گی جامعه بشری ثابت کردند که توانایی و پویایی اداره جامعه را دارند. اگر آنها از خواب غفلت بیدار و از حالت منفل به تحرک راستین در آیند و پیشآهنگی جامعه فارغ از ستم زن را خود عهده دار شوند آنگاه است که جامعه سیاسی - اخلاقی بر پایه دیموکراسی واقعی برابری تمام باشندگان سرزمین ما را رقم میزنند. آنگاه است که از شر تظلم سیاست های مرد سالار رهایی می یابند. برای این کار آنها نیازمند یک پشتوانه وسیع البنیاد همه زنان کشور را که تنها بوسیله یک سازمان نیرومند

زنان میسر و ممکن است، میباشد. این سازمان با مبارزه بی امان و فراگیر میتواند رویای برابری زنان جامعه ما را به حقیقت تبدیل کند.

باز تعریف زن در جامعه ما و راه یابی این قشر به حقوق برابر در جامعه راه طولانی بوده که خود زنان مبتکر آن بایست گردند در غیر آن نباید این را از جانب کسی و آنهم زیر تسلط فرهنگ مرد سالار تحفه وار در انتظار بنشینند، استقلال اقتصادی که با مشارکت زن به کار مفید اجتماعی - اقتصادی بدست می آید یکی دیگر از راهکار هایی است که میتواند زنان را در راه رهایی از تسلط فرهنگ مرد سالار کمک کند. پایان قسمت نهم (ادامه دارد)